دوفصلنامه علمی ـ تخصصی فقه و قضا
سال سیزدهم/شماره ۱۸/بهار و تابستان ۱۴۰۰

Two quaterly scientific- specified
jurisprudence and judgment Years, ۱۳ No.۱۸,
Spring and Summer 2021

تَشهیر مجازات از منظر سیاست جنایی اسلام

□ محمّدرضا زیرک مبارکی *

چکیده

سیاست جنایی به عنوان مجموعه روش های بکارگرفته شده از سوی حکومت برای پیشگیری و کنترل پدیده مجرمانه، نشان دهنده نوع نگرش هر سیستم حکومتی به جرم، مجرم و مجازات و به نوعی حاکی از ایدئولوژی حاکم بر ارکان جامعه می باشد، اسلام به عنوان یک دین نیز از قاعده فوق مستثنا نمی باشد و سیاست جنایی اسلام براساس مبانی دقیقی که از نگرش صحیح به جنبه‌های فردی و اجتماعی انسان ناشی شده، راهبردهای مؤثر و کارآمدی را جهت کاهش آمار جرائم ارائه کرده است، تعادل میان صیانت از حقوق فردی و حفظ استمرار امنیت اجتماعی از جمله رسالت‌های کلیدی سیستم عدالت کیفری است که در حوزه برخی ضمانت اجراها به چالش کشیده می شود، همچنان که در پاره‌ای جرائم حفظ حیثیت اشخاص و امنیت روانی جامعه ایجاب می‌کند تا حد امکان از اعلان و افشای جرم خودداری شود در مقابل معرفی مرتکبان برخی جرایم نیز لازمه استقرار امنیت اجتماعی تلقی می گردد، تشهیر مجازات نمونه بارزی از گزاره فوق بوده که در برخی جرایم مورد اشاره فقها قرار گرفته است، نظام کیفری اسلام

---

* دانشجوی دکتری فقه وحقوق قضایی مجتمع عالی فقه جامعة المصطفی ﷺ العالمیة.

مجازات تشهیر را به رسمیت شناخته و در ساختار سازمان یافته و با اهدافی مشخص در بازدارندگی و پیشگیری به کار بسته است در این میان تشهیرمجازات در خصوص برخی جرایم مورد تصریح قرار گرفته است و براین اساس نوشتار حاضر ثابت نموده است که اصول کلی سیاست جنایی اسلام ،رفع زمینه های ارتکاب جنایت و تحصیل هر چه بیشتر اهدافی چون بازدارندگی و پیشگیری از ارتکاب برخی جرائم را از رهگذر اعمال تشهیرمجازات میسور می داند.

واژگان کلیدی: تشهیر، جنایت، مجازات، سیاست

مقدمه

بی شک یکی از اهداف مهم اغلب نظام های کیفری تـامین سـلامت اخلاقـی جامعـه اسـت. امری که در نظام های حقوقی دینی نمود و جلوه بیشتری دارد، بدیهی است که جرم انگاری توسـط شارع و مجازات مرتکبین در همین راستا می باشد، به واقع شخص مجرم با ادامـه عملکـرد خـود ، زمینه فساد اجتماعی را به طور فزآینده ای گسـترش مـی‌دهـد کـه طبیعـی اسـت، مجـازات علنـی مرتکب و معرفی او می‌تواند وی را در معرض کنترل اجتماعی بیشتری قرار داده و آزادی عمـل او را محدود نماید واین تدبیری از جانب شارع در جهت محدویت فرد و مصونیت جامعـه مـی باشـد. سیاست جنایی در هر مکتبی بر اساس هنجارهـا باورهـا و مولفـه‌هایی شـکل مـی گیـرد و جلـوه و راهبردهای آن بر اساس مبانی آن مکتب شکل می گیرند. دربرخی مکاتب مانند مکتـب کلاسـیک و نئوکلاسیک فقط بر کیفر تکیه دارد و برخی مکاتب مانند مکتب تحققی و دفـاع اجتمـاعی سـنتی به کلی کیفر بر مبنای مسئولیت کیفری را مردود می‌داند، لیکن باید گفت سیاست جنایی زمانی بـه لحاظ کارآمدی و منطقی بودن قابل ارزیابی است که مبنای آن بـه عنـوان زیربنـا در جامعـه وجـود داشته یا ایجاد شود

سیاست جنایی اسلام از آن جهت اهمیت زیادی دارد که شـامل همـه تدابیرکُنشـی و واکنشـی علیه بزهکاری ازطرف نهادهایی دادرسی وقضایی می باشد و همچنین نیز به عوامل مختلـف جـرم زا و راهکارهای مقابله با آن ، زمینه ها و موقعیت ها و فرصت های ارتکاب جـرم و راههـای زدودن

آن پرداخته و از سوی دیگر نیز به تدابیری درجهت هدفمندی منطقی و کارآمـد در راسـتای کـاهش آمار جرم تاکید کرده است. اسلام به عنوان یـک مکتـب، سیاسـت جنـایی خـود را بـر پایـه اصـول ومبانی خاصی بنا نهاده است که بر اساس آن راهکارهای کیفری و غیر کیفـری خـود را در راسـتای مقابله با ریشه‌های بزهکاری از طریق تربیت و فرهنگ‌سازی وآگاه سـازی افـراد جامعـه بنـا نهـاده است،

از نگاه سیاسـت جنـایی اسـلام بـرخلاف آنچـه تصـور و تـرویج مـی شـود، گـرایش گسـترده یک‌سویه غیرمنطقی به سوی مجازات به ویژه مجـازات هـای خشـن وجـود نـدارد، بلکـه بـا یـک سیاست هدفمند در جهت حفظ کرامت ذاتی انسان حتی درمورد مجرمین بوده و درصـدد کـاهش آمار بزهکاری وتوصیه به عفو، قضازدایی، کیفرزدایی، و حتی در فرض محکومیت فرد مجرم عـدم فاش کردن اسامی این افراد بوده ولیکن در عین حـال عـدم تسـامح در اجـرای مجـازات در مـوارد لزوم، سیاستی خاص و منحصر به فرد را به مَنصه ظهور رسانیده است واسـتثنائاً هـدف خـود را بـه فاش کردن و اعلان عمـومی برخـی مجـرمین بـا عنـوان تشـهیرمجازات مجـرمین کـه بـه معنـای شناساندن مجرم به مردم همراه با استخفاف وی بیان کرده است (نجفـی، ج۴۱ ص۲۵۲) ، لـذا در این راستا در حقوق کیفری اسلام که نشات گرفته از مبانی سیاست جنایی مکتب اسلام می باشـد، تعداد محدودی از جرائم مشمول تشهیر گردیده اند که در این دسته ازجرایم عـلاوه بـر آنکـه عمـل مجرمانه پوشیده نمی شود بلکه مجرمین به جامعه معرفی می گردند و لذا شارع مقـدس در برخـی از جرایم مهم تدابیری در جهت معرفی افراد مجرم به جامعه را اندیشیده است کـه در فقـه اسـلامی از این رفتار تعبیر به تشهیر می گردد ،که برای مثال مـی تـوان ازشـاهد زور، قـواد، قـاذف، محتـال، مفلس، محارب و... نام برد، براین اساس سیاست جنایی اسلام در این نوع جرایم به نحو هدفمنـد و جهت دار سازماندهی شده است و شارع مقدس اسلام بـه دنبـال تـدبیری خـاص در ایـن زمینـه بوده، که نیازمند دقـت نظـر در مبـانی ایـن تـدبیر و اندیشـه و اهـداف حاصـل آن مـی باشـد، لـذا پرسشیدر این موضوع نهفته است که باید طرح گردد به این صورت است که چرا شـارع بـه انحـای مختلف به جای بزهکار پوشی وامثال آن درصدد تشهیر اجرای آن مجازات ومعرفی عمومی مجـرم گردیده است؟ و چه سیاستی در پس این نوع مجازات نهفته است؟

برای پاسخ به این پرسش ها، پژوهش حاضر به روش تحلیلی و توصیفی پس از تبیین مفاهیم مهم و جایگاه و رویکرد فقهی تشهیر مجازات و وجاهت تشریعی آن، به تبیین سیاست و تدابیر اندیشیده شده در این نوع جرایم و مجازات ها می پردازد.

۲-مفاهیم

۲-۱- مفهوم تشهیر

۲-۱-۱- تشهیردر لغت

کلمه تشهیر واژه عربی از ریشه «شَهَرَ» است که به باب «تفعیل» رفته است در لغت به معنای (وَضَح)آمده است و« شهره» را وضوح یعنی روشن سازی چیزی معنا نموده اند(جوهری، ۱۴۱۰ ج ۲ ص ۷۰۵) «شهره» به معنای رسوایی نیز آمده (ابن منظور ۱۴۱۴ ،ج۴۴ ص ۴۳۲)، اِشهار«تشهیر» به معنای رسوا کردن خوار کردن و مشهور کردن آمده است(واسطی ۱۴۱۴ ج ۷ ص ۶۸ ؛ ابن عباده ۱۴۱۴ ج ۳ ص ۳۹۱) صاحب کتاب العین« تَشهیر»را به معنای نمایاندن چیزی به نحو قبیح درمیان مردم برای تقبیح آن نزد مردم معنا کرده است (فراهیدی ۱۴۱۰ ج ۳ ص ۴۰۰)

احمد بن فارس گوید« شَهَر فلان فی النّاس بکذا » یعنی فلانی در میان مردم به فلان چیز مشهور و شناخته شده است(ابن فارس، ۱۴۰۴ جلد ۳ ص ۲۲۲)، مفردات الفاظ قرآن شهر فلان به معنای مشهور شدن طولانی به خیر یا شرّ آمده است (راغب، ۱۴۱۲ ص ۴۶۸)

۲-۱-۲- تشهیردراصطلاح فقهی

تشهیر (اشهار) به معنای آشکار کردن آمد است(شاهرودی، ١٤٢٦، ج۱، ص ۵۰۷) واژه تشهیر بر حسب آنچه به آن اضافه می شود،مفهوم خاصی پیدا می کند، تشهیر مجرم یعنی گرداندن او در خیابان ها و معرفی او به مردم(همان، ص۵۰۸)

این مجازات که برای برخی جرایم خاص، بالاخص جرایمی که مجرم در آنها امین مردم بوده، و خیانت کرده در نظر گرفته شده است(عوده،۱، ص٧٠٤) اختصاص به مردان دارد و به اتفاق

فقهای شیعه در مورد زنان اجرا نمی شود(نجفی، ١٤٠٤، ج٤١، ص ٤٠١)

لذا تشهیر مجرم در واقع رسوا کردن وی در میان مردم و شناساندن او به مردم است تا علاوه بر تنبیه وی، دیگران نیز عبرت بگیرند(همان، ص ٢٥٢)

۲-۲- مفهوم سیاست

۲-۲-۱- سیاست در لغت

در بیان موضوع نیازمند آن هستیم که مفهوم سیاست بیان گردد تا به نتیجه مورد نظر از مفهوم سیاست جنایی دست یابیم.

کلمه سیاست درکتب لغوی، کلمه«سیاست» از ریشه لغت« ساس، سیاسه، سَوَسَ» می باشد که جملگی دلالت بر تدبیر و اندیشه می باشد.(فوادافرام، ١٣٧٦، ص٥٠٥)

صاحب کتاب معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة لغت سیاست را این گونه بیان می دارد: السیاسة:في اللغة: تعنی القیام علی الشيء و التصرف فیه بما یصلحه.و في «الکلیات»: هي استصلاح الخلق بإرشادهم إلی الطریق المنجی في العاجل و الآجل، و هو قریب من قول النسفي:السیاسة: حیاطة الرّعیة بما یصلحها لطفا و عنفا.(عبد الرحمان، بی تا، ج٢، ص: ٣٠٧) که به معنای قیام بر امری وتدبیر در امور مردم به گونه ای که بر خیر و صلاح آنان باشد، بیان می دارد.

السیاسه«سَوَسَ» ارشاد مردم به راه راست که هدایت کننده باشد، فن حکومت و اداره امور داخلی وخارجی کشور که به آن «السیَاسه الداخِلیَه والسیَاسه الخَارِجیَه »گویند، « السیَاسُه المَدَنِیه » رسیدن به امور معاش و تغذیه مردم به وسیله دولت بر اساس عدالت و برابری « السیَاسَه الاقتِصَادِیه» فن تدبیر امور مالی و دارایی کشور و اداره کردن آن .(فوادافرام، ١٣٧٦، ص٥٠٥)

سیاست دربیان اهل لغت به معنای «قیام به مصلحت»تعریف شده است. در النهایه ابن اثیر آمده است«السَّیاسَه القیام علی شيٍ بِما یُصلَحُهُ» در المنجد می گوید «السَّیاسَه استِعلاج الخَلقِ بِإرشادِهِم الی الطّریق المُنجی فی العَاجِلِ والاَجل »(مرعشی شوشتری،١٤٢٧،ج١،ص٤٥) ، «السَّیاسَه: القیام علی شيٍ ما یُصلِحُهُ» (واسطی ١٤١٤ ،ج٨ ،ص٣٢٢- جزری ١٣٦٧،ج

۲،ص٤٢١)

۲-۲-۲- سیاست در اصطلاح

امام خمینی «ره» می نویسند: «سیاست آن است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد و تمام مصالح جامعه را و تمام ابعاد انسان را در نظر بگیرد و این ها را هدایت کند، به سمت آن چیزی که به صلاح شان است. (موسوی الخمینی ۱۳۸۰،ج۱،ص ۱۳، ۲۱۷و۲۱۸)

تعاریف دیگری که از سیاست بیان گردیده است که نزدیک به قریب همین معانی است که سیاست به طور کلی عبارتست از درک، تدبّر و ادارهٔ مسایل و امور جامعه،و به تعبیری دیگر سیاست آن راهکاری است که انسانها بتوانند با آن به اهداف انسانی و اهدافی که برای رشد جامعه در نظر گرفته شده است، برسند.

۲-۳- مفهوم سیاست جنایی

سیاست جنایی از دیدگاه برخی علمای حقوق به طور ساده و مختصر عبارت است از«درک، تدبیر و اداره مسائل و امور جامعه» بدین سان سیاست جنایی از یک سوی با تجزیه و تحلیل و فهم یک امرخواص در جامعه یعنی پدیده مجرمانه و از سویی دیگر با عملی ساختن یک راهبرد به منظور پاسخ به وضعیت های بزهکاری یا کجروی «انحراف» در ارتباط است، اصطلاح سیاست جنایی برای اولین بار توسط آنسیلم فون فوئر باخ در کتاب حقوق کیفری او که در سال ۱۸۰۳ میلادی منتشر گردید به کار برده شد از نظر او سیاست جنایی «مجموعهٔ شیوه‌های سرکوب گرانه‌ای که دولت با استفاده از آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد»می‌باشد،

کاربرد عنوان سیاست جنايي يا سياست جزايي يا سياست كيفري در ايران از دهه دوم قرن چهاردهم شمسي توسط اساتيد حقوق جزا و جرم شناسي شروع شده است ولی سياست جنايي به طور جدّي از اوايل دهه ۱۳۷۰ شمسي با ترجمه و تاليف چند مقاله و كتاب وارد حقوق ايران شد.(رسولی آذر، ۱۳۹۳،ص٦)

در مجموع می توان بیان کرد که سیاست جنایی عبارت است از کلیه تدابیر و اقدامات پیشگیرانه و سرکوبگرانه که دولت و محاکم قضایی جداگانه و یا با مشارکت یکدیگر جهت

پیشگیری از جرم مبارزه با بزهکاری اصلاح و یا سرکوب مجرم به کار می برند

لازم به ذکر است که اگرچه در منابع معتبراسلامی به ویژه کتب فقهی واژه «سیاست جنایی» یافت نمی گردد ولیکن به مفهوم نیستی تدابیری در مکتب اسلام درمقابل رفتارها و کج روی ها وجنایات واقع یافته در جامعه اسلامی نیست، زیرا اصل واژه سیاست جنایی به وضع تعیّنی و توسط حقوقدانان غربی تنها چندین دهه است که به وجود آمده است، لذا با نگاهی دقیق به منابع معتبر فقهی آشکار می گردد که مکتب اسلام دارای برنامه ای جامع وکارآمد در سیاست جنایی(درمعنای اصطلاحی آن) می باشد زیرا نگاه آن برمبنای جایگاه و ارزشهای والای انسانی واهداف متعالیه طراحی شده است.

۳- مبانی سیاست جنایی در تشهیر مجرمین

در بیان مبانی سیاست جنایی اسلام در مجازات تشهیر مجرمین برخی جرایم که شامل برنامه ها اجرای مجازات به صورت علنی و برای مقابله با وقوع جرم در آینده است، به همین منظور نیاز است اصولی مانند تکریم انسان بما هو انسان مورد لحاظ گردد، زیرا قرآن کریم با در نظر گرفتن این اصول سیاست جنایی بعد از وقوع جرم را طرح ریزی می نماید و در مواقعی با در نظر گرفتن تمام این اصول نوبت به مجازات می رسید،اسلام ملاک اجرای مجازات ها از جمله اجرای عدالت و احقاق حقوق و رعایت مصالح را مشخص نموده تا بتوان پاسخگوی کسانی باشد که اسلام را متهم به خشونت می کنند. لذا راهبردهای سیاست جنایی زمانی به لحاظ کارآمدی و منطقی بودن قابل ارزیابی است که مبنای آن به عنوان زیر بنا در جامعه وجود داشته یا ایجاد شود، برای مثال اگر از امر به معروف و نهی از منکر در آموزه‌های اسلام یا سیاست جنایی مشارکتی مطرح گردد، مبنای آن وجود جامعه ای است که مسئولیت انسانها را در قبال یکدیگر به رسمیت بشناسد وبدیهی است که در جامعه دیگر غربی با تفکرات فردگرایانه قابل طرح نخواهد بود، مگر آنکه چنین مبنایی به وجود آید و نگرش به ابعاد فردی و اجتماعی انسان می تواند مبانی سیاست جنایی را تشکیل دهد، سیاست جنایی اسلام در مجموعه به دنبال روش‌هایی است که کمترین آثار و عوارض را بر زندگی فردی و اجتماعی داشته باشد از این رو تا حد امکان در صدد گریز از

برخورد کیفری با مجرمان بود و از کیفر افراد به عنوان آخرین راهکار نگریسته است به عبارتی دیگر اگر بزهکاری همانند بذر دشمنی و تنش میان فرد و جامعه باشد، مجازات به عنوان آخرین اهرم و به عنوان ضمانت اجرای قواعد حقوقی استفاده می شود، لذا تدابیر و شیوه‌های را در پی می گیرد که با هدف کاستن از جاذبه‌های مجرمانه و عوامل تحریک کننده، در پی آن است تا از تصمیم نهایی بزهکاران جلوگیری کند و در این زمینه می‌توان به تشهیر مجرمین اشاره کرد.

بر این اساس می توان گفت تدابیرجنایی مکتب اسلام برگرفته از عمق شناخت از ویژگی های انسانی بشر می باشد که تشهیر مجازات برخی از مجرمین از آن جمله می باشد که بخشی از جرایم علاوه بر مجازات اصلی مجرمین،فرد مجرم مورد اشتهار قرار گرفته و به عموم مردم معرفی گردد.

تدابیری که در جهت پیشگیری، مقابله، وکیفری مجرمین درمکتب اسلام اندیشیده شده است را می توان ازسه جنبه اصلاحی، وضعی و کیفری دانست (کریمی،ش ۷۳ ص ۱۴۸) اسلام با دستور به تشهیر برخی مجرمان پیشگیری کیفری را مطرح می‌سازد، مشخص بودن مجازات برای جلوگیری از وقوع جرم بسیار موثر است چون هم رنج آور است و هم رسوا کننده مجرم (مائده/ ۳۳)وقتی این گونه قوانین وجود داشته باشد، ترس از فاش و علنی برگزار شدن مجازات می تواند مانع از عملکرد مجرمان شود زیرا طبق قواعد عرفی در هرجامعه استخفاف افراد در بین افراد آن جامعه قبیح است، اگر افراد در معرض مجرمیت از عواقب عملش آگاه باشند، که برای تختی او از قانون چه مجازاتی وضع شده و این قانون بدون هیچ گونه سهل انگاری به اجر گذاشته می شود، خود را آزاد در انجام هر رفتاری نمی‌دانند، لذا وجود چنین تدابیرواکنشی از جانب حکومت و از اجرای علنی و قاطعانه چنین مجازاتهایی مانعی برای بروز جنایات جدید است،

سیاست جنایی اسلام به گونه ای است که تعیین این قوانین با دیدی فراتر با هدف بازدارندگی و اصلاحی فرد وجامعه وجهت جلوگیری از جرایم آینده بوده و گاهی یک مجازات به همراه مجازات اصلی جرم می باشد که به همراه تشهیر قابل اجرا است، لذا اگر اجرای مجازات علنی مجرمی در زمان و یا در مکانی به مصلحت باشد، به صورت علنی اجرا می گردد، در این جهت می توان نتیجه گرفت که زمانی که جرایمی جامعه اسلامی را با مشکل مواجه می کند حاکم

اسلامی با تشخیص مصلحت اسلام می تواند، مجازات برخی جرایم را علنی اجرا کند وآنجا که میان حق جامعه به حقوق فرد تعارض و تزاحم افتد، حق جامعه برحقوق فرد و حقوق عام بر حق خاص مقدم بوده وحاکم شرع نیز با صلاح دید اجتماع مرجع تصمیم گیری در این موضوع می باشد.

۴- ماهیت تشهیر مجازات

برای فهم دقیق مفهوم ماهیت تشهیرمجازات نیازمند آن هستیم که نوع مجازات تشهیر را که چه نوع کیفری می باشد(اعم از حدی است یا تعزیری) را تعریف و جایگاه آن را در میان مجازات ها بیان داریم.

«حد» در اصطلاح فقها مجازاتی است که شارع مقدس برای برخی جرایم با تعیین کم و کیف آن در همه مصادیق جرم تشریع کرده است (شاهرودی، ۱۴۲۶،ج ۳ ،ص ۲۵۱)محقق حلی هر کاری را که کیفر مشخص دارد را حد می نامد(حلی ،ج ۴،ص ۱۳۶)محقق حلی اسباب حدود را محدود درشش مورد می‌داند «الاسباب الحد ستّةٌ: الزّنی وما یَتّبعه والقَذف وشُرب الخَمر والسِرقه وقَطعُ الطَریق»(همان)شهید ثانی و صاحب جواهر نیز همین دسته‌بندی را برای حدود ذکر کرده‌اند(شهید ثانی، ج ۱۴،ص ۳۲۶؛ نجفی،ج ۴۱ ص ۲۵۵) بنابراین دسته بندی سایر مجازات ها شرعی که غیر از اینها باشند در دایره تعزیرات قرار خواهند گرفت که بسیار گسترده تر از حدود است.

در مقابل «تعزیر» که در لغت به معنای تعظیم، اذلال و منع می باشد(سعدی ۱۴۰۸ ص ۲۵۰ ؛عبدالرحمان ج ۱ ص ۴۷۱)نوعی مجازات است مقدارش بیان نشده و تعیین مقدارش برعهده حاکم شرع است (نجفی، ۱۴۰۴،ج ۴۱ ،ص ۲۵۴ ؛عاملی،۱۴۱۳،ص ۴۶) تعزیرات برای گناهانی است که درشرع برآنها حد و کفاره ای تعیین نشده است (شهید ثانی ۱۴۱۳ ج ۱۴ ،ص ۳۲۶)مقدار تعزیر اقتضای زمان و مکان و نوع گناه و مرتکب شونده آن تفاوت میکند ولی همواره از بالاترین حد شرعی«صد تازیانه»یا به قول برخی فقها از پایین ترین حد شرعی «۷۵ تازیانه» کمتر است(نجفی،۱۴۰۴،ج ۴۱،ص ۲۴۸)و همچنین شهید اول در القواعد و الفوائد ده

ویژگی برای تعزیر می‌شمارد که با توجه به خصوصیات کلی بیان شده روشن مـی گـردد کـه تشـهیر جزء تعزیرات است چرا که حـاکم شـرع در انتخـاب مجـازات تشـهیر یـا جـایگزینی آن بـا دیگـر مجازات های تعزیری بنا بر مصلحت مجرم و جامعه مخیّر است،لذا می توان گفـت تشـهیر جـزء تعزیرات می باشد که از باب تادیب مجرم و برای جلوگیری از تکرار جـرم بـه وسـیله حـاکم شـرع برای جرایم خاص به اجرا گذاشته می شود.

۵- سابقه فقهی استخدام تشهیردر مجازات ها

اندیشه و رویکرد اتخاذی توسط برخی فقها این است که با لحاظ هـدف کیفـر و ماهیـت جـرم ارتکابی حکم تشهیر را در موارد غیرمصرّح اصطیاد نموده و آن را با استفاده از تنقیح مناط بـه سـایر جرائم تامین داده اند، از جمله جرایمی که ادله شرعی روایی به طور صریح کیفر تشـهیر را بـرای آن منظور داشته شهادت کذب است، در رابطه با سایر جرائم مانند قوادی، احتیال و...فقها بـا تمسـک به ادله اجتهادی و با تدبیر در ادله و اهداف تعیین شده ، چنین مجـازاتی بـرای جـرایم خـاص، کـه اجازه تشهیر در آنها از جانب شارع داده شده است را بـه سـایرجرایم کـه دارای چنـین ویژگـی مـی باشند تعمیم داده و آن موارد را وارد در تشهیر مجازات کرده اند.

مرحوم گلپایگانی چنین بیان داشـته:« در بـاب مجـازات قـاذف مـی تـوان حکـم بـه تشـهیر و شناساندن وی به مردم نمود این در حالی است که درباره حکم مذکور نص شـرعی خاصـی وجـود ندارد و این نص تنها در مورد تشهیر شاهد زور ذکر شده است، در روایتی موثـق سـماع نقـل کـرده که امام صادق (ع) در مورد مجازات شاهد دروغگو سـوال کـردم ؟ « امـام فرمـود: بـه کیفیتـی کـه حاکم جامعه تشخیص دهد شلاق زده می‌شـود و او را چرخانـده تـا عامـه مـردم وی را بشناسـند» بنابراین به سبب وجود علت مشترک در جرم شهادت کذب برخی جرائم دیگر و قابلیـت تعمـیم آن بر اساس تنقیح مناط در بزه قذف نیز می توان قائل به تشهیر بود تا عموم مردم قاذف را شناخته و بـه سخنانی از او کـه موجـب رسـوایی و خـذلان دیگـران را فـراهم کنـد اعتنـائی نکننـد. (گلپایگـانی ،۱۳۷۲،ج ۱،ص۲۳۲) همچنین علامه حلی درتایید این دیدگاه می‌نویسد «محتال که مال دیگـران را با خود که و فریـب سندسـازی جعـل نوشـته گـواهی کـه هماننـد آن تصـاحب کنـد بـه حسـب

تشخیص حاکم جامعه تعزیرات و مجازات می‌شود و در برابر آنچه از این را به دست آورده غرامت پرداخته و تشهیر می‌شود (حلی، ۱٤۲۰،ج ۲،ص ۲۳۴)

از نظر فقها درتعزیرات این هدف مجازات است که تعیین می کند حاکم اسلامی چه کیفری را با چه کیفیتی استفاده نماید تا هدف موردنظر محقق گردد، پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم بازدارندگی اصلاح و درمان و....اهدافی هستند که اگر تشهیر از قابلیت بالاتری برای تحقق آنها برخوردار باشد، می‌تواند مورد حکم شارع قرار گیرد.

«به کارگیری مجازات و اقدامات تادیبی، دریافت غرامت، جبران ضرر و زیان یا تشهیر و معرفی مجرم با این هدف صورت می‌گیرد که ازتکرار چنان فعل مجرمانه درآینده جلوگیری به عمل آید(طوسی ، ۱٤۰۷، ۷۲۲)

«لازم است امام معصوم و نایبانش با هدف از بین بردن هیمَنه خلافکاران و اشرار و نیزتامین نظم و امنیت اجتماعی و بنا به تشخیص خود آنان را مجازات و تعدیل کنند، این گونه اقدامات تامینی یا مجازات اعم از اینکه حبس تعزیری شلاق تبعید تشکیل یا امثال آن باشد، لازم است همه را با تَاذی و ندامت روحی بزهکار و در جهت تربیت و استحکام اخلاقی وی صورت پذیرد »(طبسی ۱٤۰۹،،ص ۳۲۱)

۶- تشهیردر منصوصات فقهی

درباره موارد اجرای تشهیردر مجازاتها و کیفیت آن فقها در کنار اتفاق نظر های متعدد اختلاف نظرهای نیز دارند که در ذیل به این موارد اشاره می گردد. در میان متون فقهی این مجازات درخصوص برخی جرایم به کار رفته است، بررسی اجمالی این جرایم نشان می دهد اساساً این جرایم دارای ویژگی خاص و مشترکی هستند که مجازات تشهیر در مورد آنها اعمال می گردد.

۶-۱- شهادت زور(کذب)

شهادت عبارت از این است که شخصی به نفع یکی از اصحاب دعوی و بر ضرر دیگری اعلام اطلاع و خبر از وقوع امری کند، شهادت یکی از دلایل دعاوی اعم از جزایی یا حقوقی باسابقه بسیار طولانی بوده و در تمام کشورها به عنوان دلیل پذیرفته شده، اما حدود استفاده از آن

و درجه اعتبار و ارزش آن متفاوت است. و شهادت کذب نیز به معنای ادای گواهی دروغ توسط گواه نزد مقامات رسمی در دادگاه است. بر اساس ماده ۶۵۰ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ «هر کس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به ۳ ماه و یک روز تا ۲ سال حبس یا به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۱۲ میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

شهادت کذب یکی از مجاری اصلی اعمال تشهیر می باشد. در مورد تشهیر شاهد کذب فقهای اتفاق نظر دارند که شیخ طوسی در این زمینه نقل ادعای عدم خلاف نموده است .(طوسی ،ج ۶،ص۲۴۰)اصلی ترین دلیل این حکم باید روایات سه‌گانه‌ای هستند که در کتب معتبر فقهی شیعه ذکر شده اند، ودر واقع تنها موردی که مطابق نصب شرعی مجازات تشهیر در مورد آن حکم می شود مسئله مزبور است، قالب فقها باتعبیر وجوب از لزوم تشهیرشاهد دروغین یاد کرده‌اند در باب چرایی توسل به تشهیر چنین مجازاتی علاوه بر لزوم احقاق حق زیان دیده از شهادت کذب جلوگیری از ظهور احتمالی چنین شهادتی در آینده استناد شده است در واقع تشهیر موجب می شود تا ضمن تشفی خاطر زیان دیده و جبران ضرر آبروی وی گزارشات ونیز توده مردم با شناخت شاهد کاذب از پذیرش شهادت های وی اجتناب کنند، چنین منطقی در عبارت فقهی نیز مشاهده می شود،چنان که مرحوم نراقی می نویسد«ولَیجتَنِب شهادتُهم ویَرتَدع غَیرُهم»(نراقی۱۴۲۵ ،ج۱۷،ص۴۳۲)

۶-۲ – قذف

قَذْف نوعی دشنام و به معنای متهم کردن شخصی به زنا یا لواط است (شهید ثانی، ۱۳۸۱، ج٤،ص ۴۴۲) قانون گذار نیزدر ماده ۲٤٥ قانون مجازات اسلامی بیان می دارد« قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر هرچند مرده باشد»

از جمله مجازات هایی که در متون فقهی برای جرم قذف برشمرده شده مجازات تشهیر است. البته این مجازات در کنار مجازات اصلی یعنی« ۸۰ ضربه شلاق» قرار داده شده وجنبه تشدید دارد«مجازات قذف از ۸۰ ضربه شلاق است .... به علاوه مجرم را تشهیر می‌کنند تا از قبول

شهادت اجتناب گردد»(شهیدثانی۱٤۱۰، ج٤، ،ص ۳۶۸) همانطور که مشاهده می‌شود علت معرفی مجرم نه خدشه بر حیثیت انسانی اوبلکه اندیشیدن تمهیدی جهت مراقبت از حقوق بزه دیدگان بالقوه است به واقع لازمه بازدارندگی از تکرار بزه از معرفی شخص قاذف است تا با اعلان عمومی جرم اولاً زمینه جبران منزلت بزه دیده فراهم گردد، ثانیاً امکان تکرار جرم از سوی مجرم سلب یا حداقل تقلیل یابد.

همچنین آیت الله گلپایگانی در«دررالمنضود» می فرماید:«تشهیر قاذف به واسطه ی حکمت است،که آن این است که مردم او را بشناسند که برخلاف شرع حرف می زنند تا به حرف هایش اعتبار ندهند»(گلپایگانی۱۳۷۲ ،ص ۲۳۲)ایشان در مورد اینکه چطور می شود بدون وجود نص بر این مسئله حکم داد؟ می فرماید« به واسطه ی تنقیح مناط و وحدت ملاک بین شاهدزور و قاذف می توان مجازات تشهیر را برای قاذف نیز ثابت دانست(همان)

۶-۳ –قوادی

در تعریف قیادت صاحب جواهر الکلام می فرماید«و أما القیادة فهي الجمع من الرجل أو المرأة بین الرجال و النساء للزناء أو بین الرجال و الرجا»(نجفی، ۱٤۰٤، ج٤۱، ص٤۰۰) ونیز ماده ۲٤۲ قانون مجازات اسلامی نیز در تعریف آن بیان می دارد «قوادی عبارت از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است» در باب این جرم نیز گرچه مجازات اصلی آن عبارت است از« ۷۵ ضربه تازیانه» اما به عنوان تشدید بازدارندگی تراشیدن سر و اعلان جرم در ملاء عام مورد اشاره فقها قرار گرفته است، وفقهای همچون «شیخ طوسی»تشهیر را برای قوّاد ثابت می داند شیخ الطائفه در النهایه می فرماید« کسی که مردان و زنان یا مردان را برای حضور به هم می رساند واجب است سه چهارم حد زانی یعنی«۷۵ تازیانه» بر او نواخته شود و سرش تراشیده شود و در سرزمینش تشهیرو سپس نفی بلد شود(طوسی، ۱۴۰۰،ص ۷۱۰) «صاحب جواهر» نیز بعد از ذکر این نکته که نص خاصی درباره تعیین مجازات تشهیربرای قوّاد موجود نیست شهرت این فتوا در میان اصحاب از جمله ابن ادریس را که به خبر واحد عمل نمی کند، دلیل صحت حکم فوق دانسته و همچنین از«انتصار سید مرتضی» و «غنیه ابن زهره حلبی» برای صحت آن اجماع ذکر

می کند(نجفی، ١٤٠٤، ج٤١، ص٤٠٠)

۶-۴ - محتال

احتیال در لغت به معنای نیرنگ، فریب کاری، کلاهبرداری و مراد از آن در متون فقهی توسل به وسایل متقلبانه برای ربودن مال غیرمی باشد. که نوعی همان جرم کلاهبرداری در نصوص جزایی است «محتال» کسی است که مال دیگری را با خُدعه، فریب، سندسازی،جعل نوشته وهمانند آن را تصاحب کند. (حلی علامه، ١٤٢٠،ص ٢٣۴)

کلاهبرداری به معنای بردن مال دیگری از طریق توسل توام با سوءنیت به وسایل یا عملیات متقلبانه است.که قانون گذار در بیان تعریف کلاهبرداری، ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری چنین آورده است: «هرکس از راه حیله و تقلب مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارتخانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیرواقع امیدوار نماید یا از حوادث یا پیش‌آمدهای غیر واقع بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور ویا وسایل تقلبی دیگر وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصاحساب و امثال آن‌ها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد مال به صاحبش به حبس از یک تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود.» و همچنین در ماده ٣٦ قانون مجازات اسلامی نیز بیان می دارد: حکم محکومیت قطعی درجرائم موجب حد محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (١/٠٠٠/٠٠٠/٠٠٠)ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد در یکی از روزنامه های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود.

در موضوع جرم مذکور که مجازات تشهیر برای آن جعل شده می توان چرایی استخدام این کیفر را با لحاظ ماهیت جرم اصطیاد نمود درحقیقت شخص کلاهبردار در صورت کتمان هویت به راحتی می‌تواند به تکرار افعال مجرمانه خود مبادرت ورزد، ضمن آنکه کسب اطلاع بزه‌دیدگان به جهت احقاق حق و عودت حقوق از دست رفته مستلزم معرفی مرتکب بزه کار کلاهبرداری

است، آنچه در تصنیفات فقها آمده موید این مدعاست «محتال که مال دیگری را با حیله و تقلب تصاحب کند در برابر آن چه طلب نموده ملزم به جبران ضرر و پرداخت غرامت است و برای جلوگیری از تکرار چنین جرمی در آینده عقوبت شده و حاکم شرع به وسیله تشهیر معرفی، مردم را از او بر حذر می دارد» (مفید، ۱٤۱۳،ص ۸۰۵) «شیخ طوسی» در این زمینه می فرماید «واجب است که کلاهبردار مجازات و تادیب شود و مالی را که گرفته غرامت دهد، شایسته است حاکم او را به عقوبت آنچه انجام داده، تشهیر کند تا دیگران درآینده، از انجام این عمل خود داری کنند»(طوسی، ۱٤۰۰ ،ص ۷۲۲)

۶-۵ - مفلس

«مُفلِس» در لغت به معنای محتاج، درویش، تهیدست، تنگدست، آنکه وی را مالی باقی نمانده باشد(لغت نامه دهخدا، واژه «مفلس») آمده است. در اصطلاح فقهی؛ به کسی گفته می‌شود که ورشکسته شده و دارایی او برای پرداخت بدهی‌هایش کافی نیست. لذا حاکم شرع او را از تصرّف در مالش منع می‌کند.(عدی،۱٤۰۸، ص۲۹۰و مصطفوی، ص ٥٤٦، ، ۱٤۲۳) حاکم شرع برای رسیدگی به بدهکاری‌های چنین شخصی او را از تصرف در اموالش جلوگیری می‌کند تا دقیقاً رسیدگی شود و بدهی‌های طلبکاران به قدر امکان پرداخت شود. در کتاب‌های فقهی، شروط ورشکستگی، کیفیت ممنوع التّصرف بودن مفلس و تقسیم اموال او در میان طلبکاران مورد بحث قرار گرفته است.(موسوی الخمینی ، ج۲، ص ۱۸-۱۹)

حلبی در«کافی» اشعار مفلس را بر حاکم لازم میداند و دلیل آن را شناساندن وی به مردم بیان می کند(حلبی، ۱٤۱۳،ص ۳۴۱) ابن زهره نیز بعد از ذکر لزوم تشهیرمفلس برای آن ادعای اجماع می نماید و«علی الحَاکِم اِشهَار مُفلِس بدَلیل الاجمَاع، لیُعرف فلا یَعملُ الا مَن رَضیَ بِاسقَاطِ دَعواه عَلیه» بر حاکم اشهار مفلس واجب است به دلیل اجماع تا مردم او را بشناسند و با او معامله نکنند مگر کسی که او راضی به اسقاط دعوا علیه او است. (حلبی، ۱٤۱۷،ص ۲۵۰) لذا می توان گفت تدبیر شارع در این جهت از باب مصونیت اجتماع از جنایات وجرایم آینده می باشد.

۶-۶ - مفاسد اقتصادی

طبیعتاً ذیل مفهوم مفاسد اقتصادی جرائم متعددی همچون اختلاس، ارتشاء، تصرف غیرقانونی در اموال دولتی و... را می توان نام برد که در فقه با عناوین دیگری بیان شده است، مهم ترین سندی که مجازات تشهیر را در خصوص این دسته از بزهکاران بیان شده است، روایتی می باشد که از شیوه برخورد امیرالمومنین علی «ع»به عنوان حاکم جامعه با یکی از کارگزاران دولتی خویش حکایت دارد هنگامی که امیرالمومنین «ع» از خیانت ناظر مالی بازار اهواز که «ابن هَرمه» نام داشت، باخبر گشت، طی نامه‌ای به رُفاعه، حاکم اهواز نوشت «هر گاه نامه ی مرا خوانده ابن هرمه را از کار برکنار کن و او را به مردم معرفی و در برابر آنان رسوا کن و او را به زندان بیفکن با فرا رسیدن روز جمعه او را از زندان در بیاور ۳۵ تازیانه به وی بزن، و او را در بازار بگردان»(تمیمی، ۱۳۸۵ ،ج ۲،ص ۵۳۲) در اینجا نیز گرچه از واژه « تشهیر» نام برده نشده، اما کیفیت عمل به گونه‌ای است که معرفی مجرم در مرئی و منظر عموم مردم مورد دستور واقع شده است، علت جعل تشهیر برای بزهکاران اقتصادی و ارتباط آن با شخصیت شناسی مجرمین مفاسد اقتصادی و در نهایت تاثیر آن در تحقق اهداف مجازات در سیستم عدالت کیفری می باشد. قانون قگذار نیز در تبصره ماده ۳٦ قانون مجازات اسلامی نیز بر این موضوع اشاره دشته وبیان می دارد:

ماده ۳٦:.... تبصره - انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتکابی، یک میلیارد(۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰)ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه های کثیرالانتشار منتشر می‌شود:الف- رشاء و ارتشا ؛ب- اختلاس پ- اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری ت- مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری ث- تبانی در معاملات دولتی ج- اخذ پورسانت در معاملات خارجی چ- تعدیات ماموران دولتی نسبت به دولت ح- جرائم گمرکی خ- قاچاق کالا و ارز د- جرائم مالیاتی ذ- پولشویی ر- اخلال در نظام اقتصادی کشور ز- تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی

۷- آثارتشهیر مجازات ها

بررسی سیاست ضمانت اجرای تشـهیر از آن روی اهمیـت دارد کـه صـرف عـدم مغـایرت بـا موازین فقهی برای قانونگذار کفایت نمی‌کند، به عبارتی حکومت اسلامی باید بتوانند با توسـل بـه دلایلی توجیه نماید که این کیفر از دیدگاه نظری یا عملی موجه بوده و اهداف مشخصی از سیسـتم عدالت کیفری را محقق می سازد، لذا در صورتی کـه دلایلـی والبتـه الزامـات اخلاقـی و سـاختار جامعه این نوع ازاعمال کیفر را توجیه نمایند،شرط دوم کیفرگذاری نیز محقق خواهد شد.

تحولات سیاسی در کیفر افراد مجرم نشان می‌دهد که اهدافی چون سـزا گرایـی، بازدارنـدگی، باز پروری، اصلاح ودرمان، کیفرِ مجـرم، و همچنـین تشـفی خـاطر بـزه دیـده، پیشـگیری موازنـه عدالت جمعی، تعلیم اخلاقی و ناتوان سازی فرد بزهکار هرکدام در چرخه کیفری به عنـوان هـدف اصلی مجازات انتخاب شده و در جغرافیای حقوقی مشخصی استقرار یافتـه انـد، امـا بازدارنـدگی به عنوان شاخص ترین هدف مجازات در سرتا سر تاریخ تحـولات حقـوقی کیفـری وجـود داشـته است که مورد تاکید سیاست جنایی اسلام بوده است، منحنـی تحـولات کیفـری سیسـتم عـدالت کیفری نشان می‌دهد که تلاش سیاست جنایی اسلام مبتنی بر اسـتقرار واسـتخدام مجـازات هـایی بوده که بیشترین بازدارندگی را ایجاد سـاخته و از ارتکـاب مجـدد آن جـرم توسـط خـود مجـرم یـا مجرمان بالقوه دیگر پیشگیری نمایند، در همین رابطه گفته می شود:« مجازات‌هـا چیـزی نیـز جـز بازداشتن دیگران از ارتکاب بزه مشابه به نام مجازات ها و شیوه های اجـرای شـان بایـد بـه نحـوی گزینش شود که قوی ترین و ماندگارترین انطباعات را برای اذهان دیگران و حداقل رنج را بـر انـدام بزهکار باقی گذارد»(اردبیلی، ۱۳۸۵، ص۳٤) یکـی از انـواع مجـازات هـای مـوثر در ایـن زمینـه تشهیر است،که سیستم سیاست جنایی اسلام از اول تشریع قوانین کیفـری بـر آن اهتمـام ویـژه ای داشته است که این مجازات متناسب با مقتضیات فردی و اجتمـاعی مجـرمین در عـدالت کیفـری اسلام با کیفیتی متفاوت به اجرا گـذارده مـی شـود، لـذا سیاسـت جنـایی مجـازات تشـهیر مبتنـی برتدابیری کلان و مبنای کیفرشناختی این مجازات با رعایت استانداردهای اجرایـی و اخلاقـی لازم می تواند موجبات تحقق برخی از اهـداف مجـازات رادرخصـوص جـرائم خاصـی فـراهم سـازد. اهدافی چون بازدارندگی، پیشگیری، اعاده حیثیت، جبران خسارت وارده در جلب اعتماد عمـومی

نسبت به سیستم قضایی است، استقرار امنیت اجتماعی و... تنها برخی از مهم ترین اهداف مذکور می باشد که تلاش می شود تا کیفیت و برخی نمونه های تطبیقی اجرای آن به شرح زیر مورد اشاره قرار گیرد.(غلامی، ۱۳۹۷ص۱۶)

۷-۱ - اخطار عمومی و کنترل اجتماعی بزهکار

یکی از مهمترین اهداف که با معرفی و قرار دادن بزهکار محکوم درمرئی و منظر عمومی حاصل می‌شود، افزایش کنترل اجتماعی مردم، خنثی سازی زمینه ارتکاب جرم و توجه نهادهای حکومتی بر فرد است تا مجدداً مرتکب چنین جرمی نشود این مهم سلب زمینه های محیطی لازم برای ارتکاب جرم محقق می‌گردد.بنابراین یکی از جهات به کار گیری این نوع از مجازات ها اخطار عمومی به مردم است تا با اجتناب از فرد بزهکار و منتفی ساختن زمینه های ارتکاب جرم، احتمال ظهور چنین بزهی از سوی مجرم را کاهش دهند. همچنین اعلام وتشهیر پیوسته افرادی مجرم در بین مردم مورد توجه مسئولین حکومتی به سوی بزهکار شده و ضمن مراقبت دائمی و بیشتر از او میزان هزینه ارتکاب جرم را برای مجرم بالا می‌برد چنین سیاستی را می‌توان در نصوص فقهی مربوط به به تشهیر مجرمین مشاهده کرد در حقیقت تشهیرمجرمین برخی از جرایم به نوعی هم اخطار عمومی برای ساکنان محسوب می شود و هم در بر دارنده مراقبت مقامات محلی برای نظارت بیشتر بر فرد بزهکار است.

۷-۲ - بازدارندگی عمومی

بازدارندگی درکیفر تشهیر بیشتر مبتنی بر نظریه شرمساری و به توان خود کنترلی است که در ساحت بازدارندگی آن نمود می‌یابد، برخی نویسندگان معتقدند مردم خود را با قوانین تطابق می‌دهند لیکن اغلب نه به این دلیل که از مجازات واهمه دارند بلکه رفتارهای مجرمانه از نظر آنها شنیع وزشت می باشد، حال اگر سیستم عدالت کیفری بتوانند با مجازات های اعمالی خویش و نشان دادن نتیجه منطقی رفتار مجرمانه، این حسّ شناخت و قباحت رفتار مجرمانه را روشن سازد میزان ارتکاب جرم نیز کاهش خواهد یافت در همین راستا تشهیر یکی از موثرترین مجازات هایی است که عواطف انسانی را درگیر ساخته و شنیع بودن رفتار مجرمانه و مجازات جرم را برای افارد

آشکار می سازد، بدیهی است کـه شـرط لازم بـرای تحقـق بازدارنـدگی ناشـی از تشـهیر آن از کـه ساختارها و هنجارهای مربوط به منزلت اجتماعی وآبروی فـرد در یـک جامعـه در حـد اسـتاندارد باقی مانده باشد و شرمساری تجربه تلخی محسوب شود، همچنـین مراحـل مـذکور در خصـوص افرادی از جامعه محقق می‌گردد،که از منزلت و شأن اجتماعی مقبولی برخـوردار بـود ویـا حـداقل شاخص اعتبار اجتماعی در میان آنان مهم تلقی شود.(غلامی،۱۳۹۷ص۲۱)

۳-۷ -جلب اعتماد عمومی

آنچه مردم از دستگاه قضایی خواستارند چیزی فراتـر از کیفـر فـرد مرتکـب جـرم اسـت. آنهـا خواستار صدور یک پیام هستند، آنها محکومیت اخلاقی بزهکـار را مطالبـه مـی نماینـد، از سـوی دیگر در مورد اجرای انواع مجازات ها مانند زندان یا جزای نقدی همیشه این تردیـد در میـان مـردم وجود داشته است که مثلاً مجـازات زنـدان در خصـوص مجـرمین یقـه سـفید اجـرا نمـی‌شـود یـا وضعیت محیطی زندان برای آنان بسیار مطلوب بـوده و متحمـل رنـج نمـی‌شـوند لـیکن مجـازات تشهیر به واسطه ماهیت عمومی و مشهودی که دارد باعث می شود تا اولاً توده مردم کیفـر را نتیجـه منطقی و بلا تردید ارتکاب جرم تلقی کنند، ثانیاً دسـتگاه قضـایی را قـدرت مسـتقل و بـا اقتـداری بدانند که در اجرای عدالت کوتاهی نمی کند و از این رهگذر به سیستم قضایی اعتماد کنند و ثالثـا محکومیت اخلاقی بزهکار را در بالاترین سطح ظهور اجتمـاعی لمـس نماینـد کـه خـود موجـب تشفی خاطر جامعه و آسیب دیده از جرم خواهد بود.(غلامی، ۱۳۹۲، ص۲۳)

نتیجه گیری

سیاست جنایی اسلام درصدد پیشگیری از وقوع جنایات و تشنج جامع و حفظ نظم عمومی اجتماع می باشد، که در راستای این هدف با بهره گیری از آن یک برنامه ای کارآمد و موثر در مقابله با جنایات بر آمده است که برخواسته از نگاه به ماهیت حقیقی انسان و احاطه بر ابعاد مختلف انسانی تدابیری را در این جهت اندیشیده است لذا در این راستا تدابیری را در نگاه کلان برای مقابله با بزهکاری را در اولویت قرار داده است و با اتکاء بر مبانی کلان سیاست جنایی اسلام در مجازات مجرمین زمینه ساز یک سیستم قضایی کارآمد و تاثیر گذار بود و بر همین

اساس تشهیر مرتکبین برخی از جرایم درنصوص روایی وکتب فقهی مورد تصریح وتاکید قرار گرفته است و فقهای امامیه آن را با تمهیدات و مختصات ویژه‌ای در جرایمی چون قذف، شهادت دروغ، قوادی، محاربه و مفاسد اقتصادی به کار بسته‌اند، قابل ذکر است که فقها استخدام تشهیر را به سایر جرایم از باب مجازات تعزیری محسوب کرده و با استفاده از تنقیح مناط به برخی جرایم دیگر تعمیم داداند و کیفیت مجازات تعزیری با لحاظ مقتضیات مطلقاً در حدود اختیارات حاکم شهر قرار داده شده است، این مسئله جعل کیفر تشهیر را مانند هر نوع مجازات تعزیری دیگر امکان پذیر می سازد،و سیاست جنایی به کار رفته در تشهیر مجازات ها می‌تواند در تحقق اهداف کلیدی در سیستم عدالت کیفری مانند اخطار عمومی، بازدارندگی عام، پیشگیری از ارتکاب جرایم، جلب اعتماد عمومی نسبت به نظام قضایی و در نهایت اعاده حیثیت بزدیده موثر می باشد.

کتابنامه

ابن فارس، ابوالحسین، احمد ابن فارس ذکریا، ۱۴۰۴، معجم مقائیس اللغه، دفترتبلیغات حوزه علمیه قم

ابن منظور،ابوافضل، جمال الدین،محمد این مکرم،۱۴۱۴، لسان العرب ، دارلفکرللطباعه، بیروت

اردبیلی، احمد ابن محمد، ۱۴۰۳، مجمع الفائده والبرهان، انتشارات اسلامی قم

اردبیلی، سید عبدالکربم موسوی، ۱۴۲۷، فقه الحدود و التعزیرات، موسسه التشر لجامعه المفید، قم

اصفهانی، حسین ابن محمدراغب، ۱۴۱۲، مفردات الفاظ قرآن، دالعلم، سوریه

اصفهانی، فاضل هندی محمد حسن، ۱۴۱۶، کشف اللثام ،انتشارات اسلامی قم

جوهری، اسماعیل ابن حماد، ۱۴۱۰، الصحاح، تاج اللغه و صحاح العربیه، دارلعلم للملایین،بیروت،

حائری، سید علی ابن محمد طباطبایی، ۱۴۱۸،ریاض المسائل، موسسه آل البیت قم

حلبی ابواصلاح،تقی ابن الدین ابن نجم الدبن، ۱۴۱۳، الکافی فی الفقه، کتابخانه امام امیرالمومنین، اصفهان

حلی، ابن ادریس، محمد ابن منصور ابن احمد، ۱۴۱۰، السرائر، انتشارات اسلامی قم،

حلی، علامه، حسن این یوسف اسدی، ۱۴۲۰، تحریر الاحکام الشرعیه، موسسه امام صادق (ع) قم

حلی، محقق، نجم الدین، جعفر ابن حسن، ۱۴۰۸، شرایع اسلام، موسسه اسماعیلیان، قم

سعدی، ابو جیب، ۱۴۰۸، القاموس الفقهی لغه و اصطلاحات، دالفکر، دمشق

شهید ثانی،زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی جُبَعی، اللمعه الدمشقیه،ناشر سمت، چاپ ششم، ۱۳۸۱، ص ۴۴۲ ، تهران

طوسی، ابو جعفر، محمد ابن حسن، ۱۴۰۷، الخلاف، انتشارات اسلامی، قم

عاملی، حر، محمد ابن حسن، ۱۴۰۹، وسائل الشیعه، موسسه آل البیت ع ، قم

عبدالرحمان ، محمود ،معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة بی تا، ج۲، ص ۳۰۷ ، قم

عوده، عبدالقادر، التشریع الجنایی الاسلامی ، ۱۹۴۰،ج۱، ص ۷۰۴، مصر

فراهیدی، خلیل ابن احمد، ۱۴۱۰، کتاب العین، نشر هجرت ، قم

فوادافرام، بستانی، فرهنگ ابجدی الفبایی عربی – فارسی: ترجمه کامل المنجد الابجدی ناشر: اسلامی مترجم: رضا مهیار زبان سال چاپ: ۱۳۷۶، انتشارات گیسوم، تهران

گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، ۱۴۱۲، الدررالمنضود فی احکام الحدود، دارالقرآن الکریم، قم
مصطفوی، سید محمد کاظم، فقه المعاملات، ص ۵۴۶، دفتر انتشارات اسلامی،چاپ اول، ۱۴۲۳ق. قم
مفید، محمد ابن محمد بم نعمان، ۱۴۱۳، المقنعه، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم
موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۱۸ - ۱۹، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم، چاپ اول، بی تا، ج۲، ص ۱۸-۱۹
نجفی،صاحب جواهر،محمدحسن،۱۴۰۴،جواهرالکلام، داراحیاءالتراث العربی، بیروت

مقالات:

سالارزایی، امیرحمزه، جان جان، فاطمه ،سیاست جنایی برگرفته از آیات قرآن کریم، فصل نامه مطالعات پیش گیری از جرم، ش۲۱، زمستان ۱۳۹۰
غلامی علی، سیایت جنایی اسلام از منظر اندیشمندان غربی و نقد وتحلیل آن، فصل نامه مطالعات حقوقی دولت اسلامی، ش۳، بهار۱۳۹۲
غلامی،علی، مجازات تشهیر در تعزیرات، مجله حقوقی دادگستری، ش ۱۱۴،زمستان ۱۳۹۷
محدثی، زهرا, سلطانی، عباسعلی،نگرشی برمجازات تشهیر در فقه شیعه با نگاهی به قوانین موضوعه ایران، فصل نامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، سال سیزدهم، ش۴۹،پاییز۹۶
میرخلیلی، سید محمد، مبانی و راهبردهای سیاست جنایی اسلام، مجوعه مقالات دومین کنگره بین المللی علوم انسانی و اسلامی، بی تا.